پرچم

عمر فیض- کلکسیون پرچم اهدا برای آن هایی که پرچم مبارزه را به زمین نگذاشته اند

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره (پنجاه ویکم) دوشنبه ۱۹حوت ۱۳۴۷ – ۱۰ مارچ ۱۹۶۹

ببرك كارمل

نگاهی به وضع کنونی جهان

مضمون اساسی دو ران معا صر را جریان انتقال از سر ما یه دا ری بسو سیا لیزم تشکیل میدهد.

عصر کنونی، عصر مبارزه دوسیستم جهانی متضاد (سو سیا لیستی و سرمایه داری)، عصر رشد روزافزون جنبشهای کار گری و تکامل نهضت انقلابی رهائی بخش ملی علیه انحصار امپر یالیزم وار تجاع و عصر انحلال سیستم استعما ری و اضمحلا ل امپر یا لیزم است.

تجر به تاریخ نشان میدهد که منافع گروه نا چیز دول امپر یا لیستی با منافع اکثریت عظیم کشور ها و مصالح تمام ملل جهان تنا قض دارد، بدینجهت کشور ها ئیکه استقلال ملی خود را بدست آورده اند و کشور – ها ئیکه در راه رهائی خود مبا رزه میکنند، روز بروز از دول امپر یالیستی جدا میشوند.

مطابق به قوانین عینی تکامل جوامع بشری، امپر یا لیزم به دو ران افول واضمحلال خود رسیده است. فساد وتلاشی نظام سر ما یه داری در تمام عرصه ها اعم از اقتصاد، دو لت، سیاست وایدئو لوژی روز بـر و ز بیشتر میگردد. امپر یا لیزم بعد از (۱۹۱۷) ونخستین جنگ جها نی (همزمان باجنگ استقلال افغانستان در ۱۹۱۹) تسلط جها نشمول خود را از دست داد. بخصوص پس ازدومین جنگ جهانی وایجاد سیستم جهانی سو سیا لیستی ودر هم بپیچید ن طو مار سیستم استعماری عر صه آزادی عمل امپر یا لیزم محدود تر گشت. بهمین جهت دروضع کنونی جهان، امپریالیزم مذبوحانه تلاش میورزد که در همه جا، درراه پیشرفت جوامع بشری موانع ایجاد کند واز رشد و تکامل انقلابی ملل جلوگیری نماید. کودتا های نظامی دراندونیزی، گانا، یونان، جنگ تجا وز کا را نه در ویتنام، تجاوز اسرا ئیل به پشتیبانی امپر یا لیزم علیه کشورهای عربی بغرض سقوط رژیم های ملی ومترقی کشور های عربی، تقو یه نئونازیزم وتلافی جو ئی در آلما ن غربی، تحر یکات ا مپر یا لیستی در کیوبا ودر کوریای شمالی – همه وهمه مبین سیاست تهاجمی وتجاوز-کارانه امپریالیزم، بخصوص امپریالیزم امریکا در چند سال اخیر میبا شد که لجو جانه میکو شد تا چرخ تاریخ را بعقب بر گرداند.

علی رغم بعضی شکستهای مؤ قتی در بعضی از سنگر های مبا رز ه رهائی بخش ملی واجتماعی ملل جهان، د رمضمون اساسی دور ان معا صر تغییری رخ نداده است. تشد ید سیاست تجاوز کا را نه امپر یا لیزم ووخامت اوضاع درجهان امروزهمه ناشی ازمشکلات و بحران سرمایه داری جهانی و عکس العمل رشد و تکا مل ظفر نمون جریان انقلابی جها نی است، که امپریالیزم میخوا هـد آنها را بزور سر نیزه وبر اسا س سیاست مفسده جو یا نه خود حل و فصل کند. بعبارت ساده تر وحشیگری امپر یالیزم به هیچصو رت بمعنا ی تفوق نیروی آن نیست، بلکه بمعنای تشدید بحران آنست.

جدا شدن قدم بقدم کشور های جدید از جهان سر ما یه داری، ضعیف شدن مواضع امپر یالیزم در جر یا ن مسابقه اقتصادی با سو سیا لیز م، مبارزه نوین کشور های کم رشد در عرصه احراز استقلال اقتصا دی، تلاشی سیستم استعماری امپر یالیزم، تشدید تضاد ها در میان کشور های امپر یا لیستی، جریان تبدیل سرمایه – داری انحصاری بسر ما یه دا ری انحصاری دولتی و توسعه آن، رشد ملیتاریزم و افزایش نقش دو لتها در اقتصاد و بحران های ادو ا ری (سیکلیك) تولید در کشور های رشد یافته سر مایه داری، اوج گر فتن نبرد بین کار و سر مایه، عـد و ل از ازادیهای سیاسی و استقرار رژیم-های فاشیستی در یکعده از کشورها وغیره وغیره همه مظا هر بحران عمومی سرمایه داری وامپریالیزم بشما ر میرود.

در مر حله کنونی امپر یالیزم، **سر ما یه داری انحصاری دو لتی** موجب تو سعه مداخله مستقیم دو لت درجریان تجدید تولید سرمایه داری به نفع او لیگار شی مالی میگردد. بهاین معنی که سر ما یه دا ر ی انحصاری دو لتی سعی میکند تضا د و تصاد مات نیرو های تو لیدی و منا سبات تو لید را از طریق پیوند دادن قد رتهای انحصاری باقدرتهای دولتی تضعیف نماید. و لی این آرزوی سر مایه داری انحصاری دولتی نه تنها در ز مینه سست سا ختن تضاد ما بین کار و سر ما یه مؤثر واقع نشد، بعکس جنبشهای ا خیر کار گری کشور های سر ما یه داری، موجهای عظیم تظا هرات واعتصابات سیاسی و اقتصادی مؤیداین نظراست که تضاد بین کار و سر ما یه، بین فقر و ثروت، دامنه دار تر و عمیقتر گردیده است. همچنان علی رغم تدابیر ضد بحرانی که کشور های رشد یا فته سر ما یه دا ری امپر یا لیستی در جهت ضد منا فع زحمتکشان و علیه کشور های کم رشد اتخاذ نموده اند، باز هم بحران های اقتصادی در کشور های سر ما یه – داری ادامه دارد. در چند سال اخیر نزول آهنگ رشد تولید، بحر ا ن اقتصادی ومالی، دوره های طو لانی رکود اقتصادی و بد یده های بحرانی، هرج و مرج اقتصادی، بیکاری مز من و فقر تو ده ها، افزا یش مخارج تسلیحات، افزا یش قیمت ها، پراکندگی مداوم میکا نیزم پر داختها، بحران سیستم پولی، تقلیل ا خیر پوند سترلینگ وتضعیف مو قعیت دلار همه و همه نشان دهنده بحر ان و شکست سر ما یه دا ری انحصاری دولتی در مر حله امپر یا لیزم است. بهمین جهت جامعه بشری بصو رت روز افزون سیمای وا قعی سر مایه داری را شناخته ودیگر نمیخوا هد بانظام سر مایه داری که از لحاظ تاریخی دو رانش سپری شده، توافق کند و توافق هم نخوا هد کرد، زیرا تجر به نشان داد که سر مایه داری معاصر نه تنها نمیتوا ند پرا بلم های موجودجوامع بشری را حل کند، بلکه به دشمن آزادی، دمو کراسی واقعی و ترقی جا معه بشری مبد ل گردیده وبا استثمار انسان از انسان با ایدئو لو ژی ستمگرانه نـژا د ی و شوینیستی، با انحطاط اخلا قی ورواج تبهکاری، جا معه و خانواده بشری وانسان رابه فساد و تلاشی سوق میدهد. انحصا رات امپریالیستی بااستفاده نادرست از تر قیات فنی واو تو ما تیزا سیون، طبقه کار گررا بجهت بیکاری، کا هش سطح زندگی و فقر میکشا نند. امپر یا لیزم از ترقیات علم و فن برای مقا صد نظامی وسیعا استفاده میکند و سرمایه داری انحصاری دو لتی در و جود اتحا د انحصا رات ودو لت بغرض افزا یش ثروت انحصا رها و سر کو ب جنبش کار گری و رهائی بخش ملی جنگهای تجاوز کا را نه را تحریك میکند.

علی رغم اینکه پکت های نظا می (ناتو)، (سیاتو) و (سنتو) د چا ر بحران گردیده است، معهذا تاکنون مهمترین پا یگاههای جنگی، سیاسی و ستر ا تیژی جهانی امپر یا لیزم، بخصوص امپر یا لیزم امریکا بشمار میرود و همچنان کو شش میشود تا این پا یگاه ها بحیث وسیله تجا و ز و تهاجم حفظ گردد.

امپریالیزم امریکا که نیروی عمده اقتصادی و مالی ونظامی در جهان سر مایه داری معاصر میبا شد، به رقیب بـزر گ سیا سی و اقتصادی کشور های بزرگ صنعتی سر مایه داری تبدیل گردیده است. تولید سالانه مؤسسات خا ر جی سر مایه های امریکائی تقریبا با لغ به ۱۵۰ ملیارد دلار میشود، به همین جهت امپر یالیزم امریکا بزرگترین استثمارگر بین المللی درجهان معاصر است.

(ص۲)

متن بیانیه دکتور اناهیتا راتبزاد

• بمناسبت تجلیل روز بین المللی هشتم مارچ

در کنفرانس سازمان دموکراتیک زنان افغانستان

خواهران عزیز!

درتاریخ بشری روزهای فرخنده ئی وجود دارد که بخرسندی استقبال وتجلیل میگردد. هشتم مارچ یکی ازین روزهاست که نقش عظیمی رادر تکامل جنبش بخاطر همبستگی ووحدت زنان ایفاء کرده است. پنجاه ونه سال قبل، در دو مین کنفرانس زنان مترقی در کوپنهاگن، ۸مارچ بمثابه ر وز همبستگی بین المللی زنان شناخته شد، از آنزمان تاکنون تغییرات زیادی درجهان پدید آمده وتوأم باآن زندگی زنان نیز تغییراتی را بخو د دیده است.

در حالیکه حقوق کامل زنان باتأمین استقلال اقتصادی شان وریشه کن شدن استثمار فرد از فرد در کشورهای سوسیالیستی تضمین گردیده است ونهضت زنان درکشورهای سرمایه داری پیشرفته اوج می گیرد زنان کشورهای آسیایی، افریقائی وامریکای لاتین دوش بدوش مردان بخاطر استقلال ملی، صلح وآزادی علیه استعمار، استبداد، ارتجاع وامپریالیزم مبارزه می کنند؛ زیرا زنان مبارزاین کشورهامیدانند که مسأله تأمین حقوق ایشان ارتباط ناگسستنی باحل پرابلم های عمومی جوامع شان دارد.

در افغانستان نیزعلی رغم شرایط اختناق آور قرون وسطائی، زنان افغان درحیات اجتماعی بارها نقش ارزنده ئی را ایفاء کرده اند. آنهادرجریان تاریخ معاصر کشور درکلیه مبارزات وجنبشهای ضد استعمار واستبداد فعالانه سهم گرفته اند، بخصوص در جریان جنگهای عادلانه استقلال خواهی خلق کشور علیه امپریالیزم انگلیس زنان کشور ازخود قهرمانیها نشان دادند.

مادران شیردل وزحمتکش ما در دوران مبارزات آزادیخواهی خلق وطن، نه تنها در غیاب مردان هریك کار دوسه نفر رابجای شوهران، پدران وبرادران خودانجام دادند، بلکه عده ئی هم درین مبارزه مقدس عملااشتراك ورزیده و در تشو یق و تهیج جنگجویان دلیر علیه اشغا لگران بریتانیا نقش برجسته و حسا سی را ایفاء کردند که در داستا نهای حماسی ملی ما سیمای نجیب این زنا ن شجا ع وقهر مان، همچنان میدرخشد.

در نخستین ماه ها ی پس از استقلال کشور –در دوران نهضت امانی، زنان کشور یکبار دیگر شایستگی خویش را در امراشتراك ثمر بخش ومفید در حیات اقتصادی واجتماعی جامعه، نشان دادند. ولی متا سفانه هنوز چند صباحی از دوران نهضت آزادی زنـان کشور نگذشته بود که ارتجاع سیاه داخلی در اثر تحریك امپر یا لیزم بین المللی باردیگر در جامعه مامسلط گردید وحد اقل حقوق و آزادیهای تامین شده زنان وهمچنان مردان را سلب کرد. هرچه تاریکی وسیاهی بود جانشین روزنه های امیدبخش آزادی شد. زنان که تازه پا بعرصهٔ اجتماع میگذاشتند، وادار گردیدند بازهم نقاب اسارت برخ بیفگنند و خانه نشین گردند.

اقدامی که در ده سال قبل بمنظور رفع حجاب صورت گرفت، نتیجه خواست ومبارزه طولانی زنان ومردان کشور و ثمر ه جنبش آزادیبخش زنان در جهان معاصر بود که باوصف محدود بودن ساحهٔ تطبیق آن، گامی بجلو شمرده میشد. در پرتو وضع جدید ثابت گردید که زنان کشور در تحت شرایطمساعد تر میتوانند در حیات اقتصادی و اجتماعی کشور فعالانه سهم بگیرند.

باتصویب قانو ن اساسی جدید کشور در سالهای اخیر واذعان به یکسلسله از آزادیهای د موکراتیك مردم، برخی حقوق جزئی ومنجمله حق شرکت در انتخابات برای زنان در صورت وفورم قانون بـرسمیت شناخته شد. چون آزادی کا مل انتخاباتی در شرایط تسلط نظام فرتوت وظالم فئودالی میسرنیست، طبعاً اینحق بخصوص بـرای زنان عملا خیلی محدود میباشد. ولی بهرحال بااحرازاین پیروزیمقدماتی

(ص ٤)

کنفرانس سازمان دموکراتیک زنان

افغانستان بمناسبت تجلیل روز بین المللی هشتم مارچ

روزشنبه ۱۷ حوت۱۳۴۷ (۸مارچ۱۹۶۹) عناصر آگاه (سازمـان دموکراتیك زنان افغانستان) بمناسبت تجلیل روز بین المللی هشتم مارچ، روز جنبش و همبستگی تمام زنان جهان برای نخستین بار در تاریخ کشورما کنفرانسی تشکیل دادند.

دربن کنفرانس از طرف یکعده ازاز زنان سازمان مزبور اشعار وبیا نیه های پرشوری در اطراف حقوق زن، سعادت کودکان و نقش زنان در تأمین صلح، استقلال ملی، دموکراسی ورول آنان درجامعه و مبارزات اجتماعی ایراد شد.

درین کنفرانس دکتور انا هیتا نطقی ایراد کرد که با گرمـی زایدالوصفی استقبال گردید و مـا متن کامل آنرا درین شماره بـه خوانندگان ارجمند پرچم تقدیـم کرده ایم.

شرعی جوزجانی

-۳-

حقوق ماموران پایان رتبه

پایمال میشود!

اصو لنامه ها ی استخدام مامورین ملکی، مستخد مین واجیران باید تعدیل گردد!

٤–بیمهٔ صحی وکوپراتیف

اکثریت مطلق ماموران دولت شامل بیمه صحی نیستند وعده ئی هم که فقط در مرکز بدان شمولیت دارند، درمقابل پرداخت یك فیصدی معین معاش آنچنانکه شاید وباید از آن نمیتوانند استفاده کنند. سالهاست که ریاست بیمهٔ صحی ما مو ر ین به بهانهٔ قلت بودجه وعدم گنجایش راه شمول به بیمه را بروی ماموران بسته و هـزاران تـن از مامـوران وخانواده های آنانرا ازین حق ثابت محروم ساخته است.

مطالبات ماموران وکارمندان:

۱– تبعیض واستثناء درین زمینه کاملا ازبین برده شده، تمام ماموران رسمی وغیر رسمی (بشمول کـابل وولایات) شامل بیمه گردند.

۲– ازآنجاکه درتحت شرایط دشوار موجود، مخصوصاً گرانی دوا ومصرف مراجعه بدکتوران ممکن است مریضی چند روزهٔ یکی از اعضای خانواده روزگار ماموری را سیاه بسازد، بنابرآن بیمه باید نه تنها خود ماموران بلکه اعضای خانواده تحت سرپرستی آنانرا نیز دربر گیرد.

۳– به نسبت افزایش روز افزون نرخ مواد خوراکه، پوشاك و کرایهٔ منزل نباید پولی بعنوان حق بیمه از معاش ماموران، مخصوصا ماموران پایین رتبه وضع گردد.

٤– با صرفه جویی در مصارف بیمورد وپرداخت معاشهای چند گانه به بر خی از مـاموران مورد نظر بنیهٔ مالی بیمه تقویه گردد.

٥– د ر ولایات افغانستان نیز شعبه هائی از ریاست بیمهٔ صحی ماموران افتتاح گردد تاماموران اطراف وولایات نیز بتوانند ازین حق استفاده کنند.

٦– عمو م کار مندان موسسات خصو صی نیز مشمول بیمهٔ صحی (البته بحساب خود موسسات) ساخته شوند.

درمورد استفاده از کوپون و حق کوپراتیف:

۱– کوپراتیف مامورین وکارمندان بادر نظر داشتن نیازمندیهای اساسی آنان تاسیس گردد و مواد مورد ضرورت اولیه بقیمت تمام شد، بدون اخذ مفاد دربرابر کوپون بکار مندان توزیع گردد.

۲– برای مـاموران و کارمندان اطراف نیز حق استفاده از کوپون داده شود ویا باپرداخت معاش منطقوی برای آنان این حق تلافی گردد.

۳– قانون جدید برای کار مندان موسسات خصوصی نیز این حق را تضمین نماید.

راه پیروزی:

تجارب مختصر در یکی دو سال اخیر به مـاموران (اعم از دولتی وغیر دولتی) نشان داد وبعد ازین نیز نشان خواهد داد که بدون تشکل و اتحاد بخاطر پیکار علیه سیاست مبنی بر تبعیض دستگاه اداری فاسد دولت ورسیدن بمطالبات صنفی ودر نتیجه تـأ مین یـك حیات انسانـی وشرافتمندانه راه دیگری وجودندارد. باید برای مبارزات پیگیر وسرسختانه آمادگی گرفت ودولت را در برابر مطالبات حیاتی صنفی وحقوق حقهٔ خویش بعقب نشینی های پی دربی وادار ساخت. تثبیت حد اقل معاش، بد ست آوردن معاش به تنـاسب ظرفیت کار وصلاحیت، اجرای منظم ترفیعات وافزایش بموقع معاشات، دریافت معاش عادلانهٔ تقاعد، مصونیت دروظیفه، بهبود شرایط کار، استفاده ازبیمهٔ صحی و کـوپراتیف، تأمیـن پیشرفت وترقی شرافتمندانه درپرتو لیاقت واستعداد، ممانعت ازتبعیضات قومی، لسانـی، مذهبی، منطقوی وایدئولوژیك، تدوین یك قانون جامع وهمه جانبهٔ عاری ازقیود واستثناآت بیمورد وغیردموکراتیك، مثالهای زنده این مطالبات مشروع میباشد.

گر چه دستگاه حاکمه افغانستان بنابر خصوصیت طبقاتی خود ازوارد کردن یك تحول بنیادی در دستگاه اداری فـاسد بورو کراتیك موجود وایجاد یك سیستم صالح دموکراتیك عاجز وناتوان است، ولی باآنهم میتوان وباید به نیروی همبستگی و اتحاد و مبـارزهٔ سرسختانـه، دولت را قدم بقدم بعقب نشینی وادار ساخت وپیروز یهایی درین زمینه بدست آورد.

درجریان مبارزه کار مندان بـایـد استفاده ازاشکال متنوع ولزوم پیگیری درآن خاطر نشان کرد. باید برای وادار ساختـن دولت و مـو سسات خصوصی به عقب نشینی و اعتراف به مطالبات صنفی از افشای دسایس، کارشکنی ها، خدعه وفریب آمران ومقامات مافوق بمنظور پامال نمودن حقوق کارمندان، انتقاد های پی دربی برمقررات غیر عادلانه اصولنامه های موضوعه، دستوری، امضای دسته جمعی شکایتنامه ها ونامه نویسی عنوانی جرائد آزاد، مراجعات مکرردسته جمعی بمقامات دولتی، کمیسیونهای شورا وبالاخره ازاجتماعات قانونی وغیره کار گرفت.

(ص۲)

پرچم

دافغانستان دخلك دموکراتیك آگاوو خپرونکی

۱۹حوت ۱۳۴۷

چهل وهشتمین

سالگرد معاهدهٔ دوستی

افغان – شوروی

تاریخ مناسبات بین المللی معاصر نشان میدهد که معاهدات زیادی بین ملل ودول مختلف به امضاء رسیده است و اکثر این معاهدات یا بـا گذشت زمان کهنه شده، بفراموشی گرائیده اند و یازیر پا گردیده و منسوخ قرار داده شده اند. اما معاهدهٔ ۲۸ فبروری (۱۹۲۱) بین افغانستان و روسیهٔ شوروی که ٤۸ سال ازآن میگذرد، ازمعاهداتیست که علی رغم موانع ومشکلاتیکه امپریالیزم ایجاد کرده و می نماید، باگذشت زمان تازه تر و مثمرتر می گردد. این معاهده که بتاریخ ۸ فبر وری واردچهل وهشتمین سال خود گردید، نخستین معاهده ئی بودکه در تاریخ مناسبات سیاسی بین افغانستان مستقل و دیگر کشور های جهان بامضاء رسید. سلطهٔ استعماری برکشورما ونظام امپراتوری تزاری در روسیه، درطول قرنها، مانع بزرگی درراه تاسیس روابط مثمر و مفید میان ملتهای ما بود. ولـی انهدام امپریالیزم در روسیه وتأمین استقلال افغانستان، زمینه هـای مساعدی را بغرض تاسیس مناسبات دوستانه بین دو کشور بوجود آورد.

معاهده (۱۹۲۱) که انعکاس دهندهٔ خطوط اساسی سیاست خارجـی صلحجویانه دو کشور همجوار بود، اصول همزیستی مسالمت آمیزبین دولتهای دارای سیستم های سیاسی مختلف و آرزوی ملتهای افغانستان وشوروی را برای حسن همجواری واقعی و همکاری موثر به نفع هردو کشور و صلح جهانی تائید و تحکیم نمود و چهل و هشت سالست کـه معاهدهٔ مذکور در راه برآوردن مقاصد فوق خدمت می نماید.

آنچه معاهدهٔ (۱۹۲۱) راباداوامتر، مثمرتر ومستحکمتر می سازداینست که معاهدهٔ مذکور بر اصول مسلم همزیستی مسالمت آمیز، عدم مداخله درامور داخلی یکدیگر، احترام به حق استقلال و حاکمیت ملی وتمامیت ارضی متقابل استوار است. بـر اساس همین معاهده بودکه ملتهای افغان و شوروی توانستند تماسهای مفید و نزدیکی در ساحات مختلف زندگی تاسیس و همکاری مثمری را به نفع خلقهای هردو کشور آغـاز نمایند.

لنین، رئیس حکومت شوروی در هدایاتیکه درسال ۱۹۲۱ به سفیر شوروی در دربار کابل صادر نموده چنین میگوید: «سیاست مادرشرق تعرضی نه، بلکه یك سیاست صلح ودوستی می باشد. شما باید درتمام کارهای خود این فکر اساسی رابطور سیستماتیك تائید و رشد دوستی مارا با افغانستان مقصدعمدهٔ فعالیت های خود درکابل قراردهید».

نتایج ثمر بخش حسن همجوارئی که براساس معاهدهٔ (۱۹۲۱) بیـن کشور های ما بدست آمده، اکنون درهرساحهٔ زندگی محسوس میباشد. در سایهٔ همین مناسبات حسن همجواریست که سرحد بین افغانستان وشوروی بنام سرحد صلح، دوستی وهمکاری نام گرفته است و در ده سال گذشته درحدود چهل پروژه بکمك شوروی در افغانستان به پایهٔ تکمیل رسیده وچندین پروژهٔ دیگر تحت ساختمان می باشد.

روابط فرهنگی بین افغانستان و اتحاد شوروی قبلا نتایج مفیدخودرا داده است و عدهٔ زیادی ازمحصلین افغانی در شقوق مختلف درموسسات فرهنگی اتحاد شـوروی مصروف تحصیل می باشند.

مناسبات تجارتی بین افغانستان واتحاد شوروی انکشاف می نماید. دربازارهای شوروی در پهلوی اموال معمولی افغانی اموال صنعتی محصول صنایع ملی ما، قدم جدیدیست درراه تقویهٔ مناسبات تجارتی دو کشور و تقویهٔ بنیهٔ اقتصاد ملی وطن ما.

اخراموویچ معاون مدیرانستیتوی ملل آسیائی در اکادمی علوم اتحاد- شوروی در جلسه ئی که بمناسبت چهل و هشتمین سالگرد امضـای معاهدهٔ دوستی افغانستان و شوروی در مسکو دایر گردیده بود، اظهار داشت: «اکنون همکاری بین افغانستان واتحاد شوروی یك عامل مهم صلح وامنیت درساحهٔ وسیع شرق میانه وآسیای مرکزی می باشد».

واضحست که افغانستان نخستین کشوری بودکه اتحاد شوروی را برسمیت شناخت. افغانستـان و اتحادشوروی پنجاهمین سالگـرد تاسیس روابط دیپلوماسی را تجلیل خواهندکرد. همچنان رئیس انجمن روابط فرهنگی و دوستی افغانستان وشوروی اظهار کرد که مردم شوروی وسیعا تجلیل این سالگرد را تدار ك می بینند.

پرچم با احساس عمیق وطنپرستی واحترام بمنافع ملی افـغـانـسـتان استحکام، ادامه و توسعه روابـط دوستانه و حسنه بین افغانستان و اتحاد شوروی را که به نفع هر دو کشور و امنیت منطقوی و صلـح جهانی میباشد، خواستار است.

اعتراض محافل صلحدوست جهان

دربرابر عمل تحریك آمیز بن

در هفتهٔ گذشته علی رغم قرارداد– های چهار جانبه در بارهٔ برلیـن، آلمان غربی انتخابات رئیس جمهور آنکشور را در برلین غربی انجام داد. کشورها ومحافل صلحدوست واحزاب مترقی جهان به این عمل آلمان غربی اعتراض نمودند و آنرا عملی تحریك آمیز وخطرناك برای صلح جهانـی وامنیت اروپا خواندند.

جوانان برلین غربی حین اجرای انتخابات دست بهمظاهره زده وشعار میدادند: «کیسنگر به بن برگرد!»، «دربرلین غرب آشوب برپا نکنید!»، «باز آلمان را به جنگ نزدیـك نسازید!».

طبـق اخبـار واصلـه در حالیکه هزاران تن پولیس شهررا تحت مراقبت قرار داده بودند، ۳۲ جوان دراثر این مظاهره بزرگ، دستگیر شدند.

آ، پ، ن. میوساند: «اعلامیهٔ حکومت شوروی که بمناسبت ایـن عمل تحریك آمیز محافل حاکمهٔ آلمان غربی صادر گردیده بود، از طرف مردم جهان و آنهائیکه به صلح اروپا علاقمندند، بدرستی درك گردیده است...

....عمل بن مبنی بر اجلاس اسامبله فدرال دربرلین غربی، که این شهر هیچگاه به آلمان غربی تعلق نداشته وهرگز تعلق نخواهد داشت، نمونهٔ دیگری از سیاست تلافی جویانـه وتجاوز کارانه آلمان غربی شمرده میشود.....»

درسوریه کودتائی صورت نگرفته است

خبر گزاریهای جهان اطلاع دادند که شایعات وقوع کودتائی درسوریه کاملاغلطاست. دستگاههای نشراتی غرب بتاسی از خصوصیت همیشگی خود بیك سلسله تبلیغات زهراگینی درباره سوریه دست زده اند و هیا هوئی راه انداخته اند.

اطلاعات واصله از دمشق میرساند که تمام این اخبار غلط و بی اساس است واین سرو صداها بـوسیله دستگاههای امپر یالیستی صو ر ت می گیرد.

رهبران سوریه بروز ١٤ حـو ت درمراسم تشییع جنا زه رئیس امنیت ملی سوریه شرکت کردند.

مظاهرات واعتصابات

کراچی:

در سر تاسر پاکستان **اعتصابات عمومی** صورت گرفت. ماموران پست ومخابرات و دکتوران شفاخانه ها درین اعتصابات شرکت داشتند.

همچنان کارگران بندر کراچی که تعداد شان به ده هزار نفر میر سید برای ازدیاد دستمزد خویش دست به اعتصاب زدند.

درکراچی مردم بالای ادا ره حزب مسلم لیگ حمله کردند و دفاترآنرا آتش زدند.

پاریس:

مسافرت نکسن به پاریس موجی از اعتراض مردم را بـر انگیخت. فرانس پرس اطلاع داد که درپاریس وروم تظاهرات مردم نسبت به بن ولندن وبروکسل شدید تربود. در تمام کشور های اروپائی، آنجا که نکسن سفر کرده بود، با چنین شعار ها از او استقبال می شد:

نکسن بخانه ات بر گرد! خون ریزی در ویتنام بس است! اروپا مال اروپائیان است! جنگ وتجاوز را خاتمه دهید!

خرطوم:

رادیو لندن گفت: حکومت تما م پوهنتونها و مکاتیب عالـی سودان را مسدود کرد.

محصلین در چند روز گـذشته بیك سلسله تظاهرات علیه حکو مت دست زده بودند. ایشان تقاضا میکردند:

– وزیر معارف باید از کا بینه اخراج گردد!

– برخی از استادان مـر تجع بر طرف شوند!

– درامور درسی ریفورم اساسی صورت گیرد!

انقره:

زنده بادترکیه! زنده باد آزادی، امریکاازترکیه خارج شو!

این شعار هائی بود که در هفتهٔ گذشته مردم ترکیه ضمن تظاهراتی در سراسر آنکشور میدادند.

کاراکاس:

محصلان ونزویلا بطرفداری از اقدام دولت پیرو مبنی بر ملی کردن صنایع نفت و کوتاه نمودن دست انحصار گرا ن نفتی، دست بـه مظاهره زدند وپشتیبانی کامل خود را از آن دولت ابراز داشتند.

توکیو:

در شهر سکوای جاپان پانزده هزار نفر به مظاهره پرداختند. مظاهرچیان تقاضا میکردند: باید امریکا ازجاپان خارج شود!

روم:

در یکی از شهر های ایتالیا مردم علیه پیمان (ناتو) به مـظـاهـره پرداختند.

نیویارك:

اعتصاب (٦٣) رو زهٔ کار گرا ن بنادر امریکا سر انجام به پیروزی انجامید. باین معنی کـه دستمزد کارگران اضافه شد و مـزد ایـام بیکاری از طرف کار فرمایان قبو ل گردید.

پانامه:

جوانان پانامه تقاضا کردند کـه باید امریکا از کانال پانامه خـا رج شود. شعار آنان چنین بود: کانال پانامه مال پانامه است!

از (ص۳)

داکترانیکه باصحت و ...

خودرا درخدمت مردم قرار دهد. روی چه منطقی میتواند از خلق تهیدست همچو توقعاتی داشته باشد. من شخصاً بخاطر این عمل داکتر، بوزارت صحیه که مسئول پرسونل صحی محل میباشد، اعتراض میکنم وطالب وارسی جدی آن در همچو موارد میباشم.»

راه نجات

«در کوچهٔ ما، نزدیك محلیکه ما زندگی میکنیم دو فامیل پهلوی هم زند گی میکنند که از جهت سطح زندگی وارتباط طبقاتی خیلی از هم فاصله دارند. در واقع وضع این دو فامیل در برابرهم، مجموعه ئی از «غم» و«شادی» است وباندازهٔ خزان وبهار از هم فاصله دارند.

این دو فامیل «بسیار غنی» و «بسیار فقیر» هر دو دخترانی دارند که در یك مکتب و در یك صنف مصروف فراگرفتن تحصیل استند. سر پرست آن فامیل فقیر، مردی زحمتکش، پرهیز گار، امین و بـی نهایت مهر بانست. اما بر عکس آن همسایهٔ ثروتمند وی، مردی تنبل، پست، انداز متکبر ویك شخص بی عاطفه است.

دختر آن فامیل غر یب خیلـی حساس، اندکی عصبی، ذکی وکنجکاو است. تجمل پرستی، تشریفا ت، مصارف گزاف، لباس های رنگین ومخصوصاً عظمت فروشی های آن همسایهٔ غنی هواره برای این دختر سوالاتی ایجاد می کند وباعث ایجاد تأثرات گنگ و سوالات متعدد ی در ذهن وی می شود. او همیشه از پدرش می پر سد که چراهمسایهٔ ثروتمند ایشان از آنهمه وسائل وامکانات عالی زندگی بر خوردار است ووی که تمام روز را در کارو زحمت طاقت فرسامیگذراند، اسیر اینهمه فلاکت و بدبختی میباشد؟ او می پرسد:

آخر چرا پدر، علت ایـن تفاوت در چیست؟ او چه خارق العاد گی دارد که تو نداری؟ آخر چرا ایـن طرف دیوار با آنطرف اینقدر متفاوت است؟

پدر در برابر سوالات متـعـد د دخترش همواره یك تبسم تلخ آمیخته باسکوت ممتد از خود نشا نمیدهد وجواب دیگری ندارد.

البته ایـن تفاوت کـدام مثال استثنائی نیست و نباید انـدیشید که این یگانه فقیریست که در پهلوی یك ثروتمند زندگی میکند. بلکـه هـر کوچه، هردهکده، هرولایت، هر ولسوالی وحتی هر قدم کشور نمونه-های رنگارنگ و مختلف این اختلاف درد آور را منعکس می سازد. مسألهٔ اساسی این است که مبارزین مترقی باید بحیث یك وظیفهٔ مقدس عـلـل این تفاوتها را که برای اکثریت مردم افغانستان هنوز مـفـهـوم نیست، تشریح کنند و راه بر آمدن ازیـن تفاوتهای جانگداز را نشان دهند. باید اشکال مختلف فقر و اسارت را که مولود استبداد مرتجعین وچپاول بیرحمانهٔ استعماراست ودرفیودالیزم معاصر افغانستان تبارز میکند، از نقاط مختلف افـغـانـسـتان تصویر برداری نمود وآنرا جهت آگـا هـی ونزدیك شدن توده های محروم در اختیار ایشان قرار داد. باید ذهـن وعقل طبقات محروم و زحمتکش وطن را متوجه مسایل همگانی نـمـود و ایشانرا برای مبارزات وسیع طبقاتی آماده کرد وطوری عمل نمود که ازین قطرات پراگنده سیلاب خرو شا نی ایجاد شودودارندهٔ نیروو قدرت کافی برای ایجاد یك مسیر منطقی باشد.

باید بنسل جوان فهماند کـه نباید در چوکات مشکلات محدو د خانوادهٔ خود محصور بمانند وصرف به خاطر نجات خود فکر نمایند. باید قطره بادر یا در آمیزد وبا ملیونها قطره هم آغوش شود تـا مـوثـر و جاویدانی باشد.

باید باسائر زحمتکشان –کارگران، دهقانان، اهل کسبه و... در زیر پرچم واحد قرار گرفت و در یـك جهت قاطع علیه استعمار و ارتجا ع به پیکار عادلانه دست زد. اینست راه نجات واین است جوابگـوی نیاز مندیهای طبقات محروم.

«ن. وینوس»

از (ص اول)

متن بیانیه دوکتور اناهیتا...

مرحلهٔ نوین در مبارزه زنان پـدید آمده است.

معهذا باید جداً بخاطر داشت که شناسائی حقوق محدودی برای زنان بمعنی پایان یافتن مبارزه نیست، بلکه سر آغاز آنست.

علی رغم موفقیت های کوچکی که زنان افغان بدست آورده اند، هنوز به هیچو جه نمیتوا ن ازتام الحقوق بودن زن در جامعه حرف زد، چه زنان کشور هنوزدر خانواده، عضو مسلوب الحقو قی بیش نیستند ودر صحنهٔ اجتماع نیز محرومیت ها ی حقوقی فراوان دارند. علی رغم اصول مصرح در قانون اساسی و اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر، زنان از حقوق اقتصادی واجتماعی خویش برخوردار نیستند. بنا برآن زنان کشور راه طولانی ودشواری را در پیش دارند تابه افراد تام الحقوق یك جامعهٔ آزاد مبدل شوند.

زنان مبارز افغانستان که در گذشته هر گز از کمك به نـبرد پر افتخار کشور علیه استعمار و ارتجاع سیاه سرباز نزده اند، اکنون نیز از توطئه ها ودسایس ار تجاع سیاه و تلاشهای محا فل حا کمه ارتجاعی کشور در جهت سر کوب نهضت زنان، آگاهی دارند ودربرابر آنها شجاعانه مبارزه می نمایند. زنان آگاه وپیشآهنگ جامعه ما بخو بی میدانند که در مرحلهٔ کنونی تا ریخ تحقق خواستهای آنان بدون ایجاد حکومتی دموکراتیك وملی که درآن آزادی های وسیع دمو کراتیك مردم تامین شده باشد امکان ندارد، ولی برآنند که در وضع کنونـی نیز میتوانند با مبارزه متشکل خویش قسمتی ازخواستهای خودرابرآورده سازند.

زنان آگاه ودلیر کشور تشخیص داده اندکه در برابر آنهادو وظیفه مهم ومقدس قرار دارد: یکی مبارزه بمنظور تامین حقوق انسانی سیاسی واجتماعی زنان ورهائی از قید وبند عادات، خرافات ورسوم کهنهٔ قرون وسطائی؛ ودیگری اشتراك فعالانه در مبارزه ملی ومترقی بمنظورایجاد تحول بنیادی در جامعه وبالنتیجه تامین ترقی ورفاه عمومی خلق افغانستان.

تجارب تاریخی نشان داده است که تجهیزوتشکل زنان شرطضروری موفقیت مبارزه آنهاست. با درك این ضرورت اساسی (سازمان دموکراتیك زنان افغانستان) تشکیل گر دید که ازینطریق مطالبات اساسی اقتصادی واجتماعی زنان کشور مطرح ودفاع میگردد وبرای تامین آنها ودرجهت بسط نهضت مترقی زنان مبارزهٔ خستگی ناپذیری صورت میگیرد.

سازمان دموکراتیك زنان که بر مبنای اصول مترقی مبارزه مینماید، باطرح پروگرام فعالیت خویش، جلب وسیعترین قشر های زنان کشوررا در مبارزه صرف نظر از نژاد، قوم مذهب ومعتقدات اجتماعی وسیاسی مطمح نظر قرار داده است.

همچنان سازمان دموکراتیك زنان افغانستان بادرك مسؤولیت ها ی تاریخی خویش، نمیتوانـد نسبت بمسایل جهان بی علاقه باقی بماند ودست دوستی وهمبستگی را بطرف زنان وسازمانهای دموکـراتیـك و مترقی زنان تمام کشور هائیکه برای تحقق آرمانهای والای انسانی مبارزه میکنند، دراز نکند. بدینجهت وظیفهٔ خویش میداند تا علیه جنگ وتجاوز وتحریکات امپر یالیستی مبا رزه نماید واز جنبشهای رهائی بخش ملی واستقرار صلح پایدار دفاع کند.

سازمان دموکراتیك زنان افغانستان مبارزات قهرمانانه ومساعی خستگی ناپذیر وانسانی فد راسیو ن دموکراتیك جهانی زنان راکه از نخستین روزهای تاسیس و تنظیم پروگرام خود در سال ۱۹٤٥ (در پاریس) تاکنون آرزوی زنان را در همه جا بخاطر مبارزه متحد علیه جنگ، ستم وفقر، آزادی، استقلال ملی ودموکراسی، عدالت وصلح پایدار ابراز داشته است، تحسین وجداً پشتیبا نی مینماید.

سازمان د موکر اتیك زنان ا فغا نستان ازانعقا د کنگره جهانی زنان که به ابتکار فد راسیون دمو کراتیك جهانی زنان در ماه جون ۱۹٦۹ در هلسنکی مرکز فنلند در باره «نقش زن در جامعهٔ معاصر» دایر میگردد، حسن استقبال مینماید وپیروزی آنرا خواستار است.

سازمان دمو کراتیك زنا ن افغا نستان درود های گرم وپرشور خودرا به تمام زنان ومردان رزمنده وپیکار جوی وازجان گذشته راه آزادی واستقلال خلق قهرمان ویتنام وزنان ومردان آزادیخواه ومبارز کشور های عربی وزنان مبارز پشتونستان وبلو چستان میفرستد وانزجار عمیق خودرانسبت بهاعمال تجاوز کارانهٔ آدمکشان امپریالیستی واستعمار گران ابراز میدارد.

در اخیر اعلام میداریم که سازمان دموکراتیك زنان افغانستان برطبق پر و گر ا م فعا لیت خو یش مبارزات شجاعانه خودرا در راه تعمق نهضت زنان کشور و بدفاع از حق زن، سعادت کودکان وصلح پایدار، استقلال ملی و دموکراسی وترقی دنبال خواهد کرد وپر چم پر افتخار مبارزه را تا پیروزی نهائی بر افراشته نگه خواهد داشت.

–پیروز باد مبارزهٔ مقدس زنا ن افغانستان!

–فرخنده باد جشن هشتم مارچ روزهمبستگی بین المللی زنان!

پرچم

دامتیاز خاوند اومسؤول مدیر: سلیمان لایق

آدرس: محمدجانخان واټ، زرلښت مارکیټ. کابل– افغانستان

تیلفون: ۲۳۱٦٤

دیوی گڼی بیه: ۲٫٥۰ – افغانی

مطبعه دولتی

-۲-

سیاست مترقی بمثابه علم وهنر

ستراتژی و تاکتیکهای سیاسی

فرق میان ستراتژی سیاسی و نظامی :

باید خاطر نشان ساخت که رعایت خطمشی ستراتژیك از یکسو به منظور از نظر دور نداشتن **وظیفهٔ عمده** یکمرحلهٔ کامل و از سوی دیگر به منظور جلو گیری از تمایل چپروانه «حذف مراحل» حایز اهمیت فراوان می باشد . اما هنگامیکه از ستراتژی سیاسی حزب حرف زده میشود نباید آنرا با ستراتژی نظامی که باهم شباهت دارند مغالطه کرد، زیرا ستراتژی سیاسی اساساً با ستراتژی نظامی متفاوت میباشد. در سیاست نه با ارتش آماده و متشکل ، بلکه با طبقات ونیروهای اجتماعی سروکار داریم که بعضی از آنها ممکن است متشکل کردند و بعضی های دیگر نه، وبرخی آنها آگاهانه فعالیت می کنند در حالیکه دیگران به صورت خود بخودی در فعالیت های عملی اشتراك میورزند . یك رهبر نظامی تمام نیروهای آمده و قابل دسترس را در تحت فرمان خود دارد و حالانکه تنها اقتضاء نظامی را در نظر میگیرد میتواند بوسیلهٔ ایشان آزادانه به منور بپردازد و نیروی احتیاط خودرا بهر جا ئیکه لازم می داند سوق دهد ، ولی رهبران سیاسی چنین امکاناتی را دراختیار ندارند. طبقات و نیرو هائیکه در حوادث سهم میگیرند نه اردو ها ونه عساکر احتیاط اند . هر یك آنان به امر قوماندان نه ،بلکه به سایقهٔ منافع خود ومهمتر اینکه **منافع خود را چگونه درك کرده‌اند**، عمل مینمایند. عوامل زیاد دیگری نیز وجود دارد که وظیفهٔ رهبری سیاسی را با مقایسه به رهبری نظامی پیچیده و بغرنج می‌سازد ،بنابرآن باید توجه کرد هنگامیکه مفهوم ستراتژی سیاسی به‌کار برده میشود ، تمام این عوامل مدنظر گرفته شود .

تلفیق دیالکتیکی وظایف تاکتیکی باهدف ستراتژیك :

وظایف و شعار های تاکتیکی از هدف و شعار ستراتژیك متمایز اند ، و لی میان آنها دیوار چینی وجود ندارد ،بلکه هردو مجموعهٔ دیالکتیکی واحدی را تشکیل میدهند که درهم تأثیر متقابل دارند . برخلاف آنچه «چپ روها» می‌گویند، طرح وظایف و شعار های تاکتیکی به‌منظوردوری جستن از هدف ستراتژیك نیست ، بلکه به منظورنزدیك شدن باآن است ،بدینجهت ترقی‌خواهان پیشرو تاکیدمینمایند که باید وحدت میان‌ستراتژی وتاکتیکها جداً درنظر گرفته شود ، وظا یف تاکتیکی از اهداف ستراتژیك تبعیت نمایند ، هر تغییری در شعار های تاکتیکی نباید محتوی انقلابی خودرا از دست دهد ویا مرام تاریخی پرولتاریارا تحریف کند . ایشا ن با اپور تونیست ها ی راست که اهداف انقلابی مبارزه را بدست فراموشی می سپا رند و همچنین با اپور تونیست های چپ که وظا یف تاکتیکی و ستراتژیکی را با هم مخلوط می‌نمایند و یك شکل یاشکل دیگری از مبارزه را مطلق‌میسازند، جداً مختلف اند ، بدینترتیب ا گر حزبی به بهانه تکیه بر شعار ها ی تا کتیکی شعار هدف ستراتژیك را فراموش کند یا نفی شعار سترا تژیك را وسیلهٔ کامیابی درمراحل تاکتیکی قرار دهد ، چنین حزبی دیگر یك حزب انقلابی نیست ،بلکه حزبیست رفورمیست که به جا ی تحول بنیادی جامعه تحقق اصلاحات کوچك را هدف‌خودقرارداده‌است . اما اگر کسي به عنوان اینکه شعار ستراتژیك دارای اهمیت سیا سی است ، استفاده از شعار ها ی تاکتیکی را منع کند و یا بی اهمیت جلوه دهد ، یا غیر انقلابی بشمارد، او هم دیگر یك فرد انقلابی نیست. دراینجا بههیچوجه مسالهٔ فداکردن وظایف تا کتیکی به نفع هدف‌ستراتژیك ویا بالمقابل مطرح نیست . چون اینها ، در همان حال که ازهم متمایز اند ،از هم جدا نیستند .در همان حال که‌از هم جدا نیستند ، باید تمایز آنها را جداً در نظرداشت. ولی چگونه باید و ظایف تا کتیکی را در عمل با اهداف‌ستراتژیك تلفیق کرد ؟ این یك و ظیفه بسیار دقیق و دشوار است که برا ی آن هیچ نسخهٔ حاضروآماده و جو د ندارد . ولی بهر صورت تلفیق شعار های تا کتیکی و شعار سترا ـ تژیك باید به شکلی باشد که شعار تا کتیکی دور نما پیدا کند ، جا ن بگیرد و با سریعترین آهنگ راه را برای پیشرفت بسوی شعار تاکتیکی بعدی وسر انجام بسوی شعار سترا تژیك هموار سازد .

باید گفت که سترا تژی بالنسبه دایمی و ثابت میباشد ، تغییرات در آن بسته به مر حلهٔ تکامل جنبش مترقی جهانی و کشور مربوط است. قاعدتاً و ظایف جدید ستراتژیك هنگامی طرح می گردد که وظا یف قبلی به انجام رسیده و کشور بیك مرحلهٔ تکامل وارد شده باشد . به طور مثال هنگامیکه و ظایف انقلاب بوژر وا دمو کرا تیک و یا انقلاب دمو کراتیك ملی ، انجام گردید ؛ حزب طراز نوین طبقهٔ کار گرسترا ـ تژی جدیدی را پیش می کشد که‌آن آمادگی برای انجام **انقلاب سوسیا ـ لیستی** است .ازسوی‌دیگر تاکتیك‌ ـ ها بیشتر متحرك ودینامیك‌میباشند. یعنی اشکال و متود هـای مبارزه با تغییر در توازن قوای طبقا تی د ر شرایط کشور معین ودر مـو قف بین‌المللی تغییر می کند . یکی از اهداف مهم تا کتیك انقلابی طبقهٔ کار گر اینست که مشخصاً تجنبش عینی متر قی را در کـشور ها ی مختلف «مطالعه ، کـشف وپیش‌ گو ئی کرد .»

رشوه ستانیهای بزرگ

بنام کمیشن یاوسیله غارتگری کمپنیهای خارجی

شگفتا! رشوه‌گرفتن ازکمپنی‌های انحصارات خا ر جی بنام «کمیشن» به‌امری کاملا عادی و رایج مبدل گردیده است.

از آنجائیکه از یکسو کمپنی های انحصا رات امپر یا لیستی تـلا ش میورزند بازار های بیشتری را برای اموال تولیدی خویش بد ست آورند وبد ینو سیله کشور عقب ماندهٔ ما را غارت نمایند واز سوی دیگر مطمح نظر مأموران عا لیر تبه دو لتی چیز دیگری بجز منفعت خود شان نیست، ولو بقیمت غارت جا معه و خلق تمام شود ، بنابرآن اگر استثناآتی‌راقبول نمائیم، بجرأت میتوان گفت که دیگر تمام خر یداری های دولت ازکشور ـ های سر مایه داری وکشور ها ی وابسته بـآن وعقد قرار داد هـا ی مختلف‌با آنها صورت نمیگیرد، مگر آنکه پای کمیشن در میان با شد .

اکنون همه میدانند که درمذاکرات بغرض خر یداری های بزرگ و عقد قرار داد های تجارتی واقتصادی بااین کشور ها قبل از همه فیصدی «کمیشنی» که باید پر داخته شود ، مورد بحث قرار میگیرد. حتی‌اعلا نات داو طلبی، در خوا ست آ فر ها ا ز کمپنی های مختلف و غیره بعلا وه آنکه مو ضو عیست فور ما لیته و شکلی و بغرض به اصطلاح ر فع «مسؤولیت» اداری بعمل میآ ید ؛ منظور از آن طور یکه وانمود میگردد، رقابت در پائین آوردن قیمت ها نیست، بلکه در واقع هدف، رقا بت در تادیهٔ فیصد ی بیشتر «کمیشن» میباشد. یعنی هر کمپنی و هر تا جر غارتگر خارجی وهر تاجر کمپرا دور داخلی که فیصدی بلندتررشوه رابنام کمیشن تا دیه نماید در معا مله برد باوی است .بهمین جهت است‌که دراکثر موارد علی رغم آنکه اجناس مورد ضرورت بقیمت های نا زلتری، باکیفیت بهتر و شرایط مسا عد تر از طریق تجارت معمول «بار تـری» تهیه‌شده میتواند ، ولی معاملـه بـا کشور های سر ما یه داری صو رت میگیرد، چه در کشـور هائـی کـه با افغانستان قـرار داد تـجا رت «بارتری»دارند چون مالکیت وتشبث خصو صی و جود ندارد بنا بر آن تادیهٔ کمیشن نیز نمیتواند مو ضوع بحث باشد . بدینترتیب زیان ها ی بزرگی به بودجه دولت و در وا قع به دارائی عامه‌وارد میگردد. بخصوص قیمت پروژه هائیکه توسط کشورهای غربی ساخته میشود ویا فا بریکاتیکه ازین کشور ها خریداری میگردد، بلند تمام میشود. صدها مثال از چنین معاملات وجـود دارد که در بـرابر در یافت فیصد ی معینی «کمیشن» ده‌ها نوع جنس دو برابر قیمت‌حقیقی آن و حتی بیشتر خر یداری گردیده است. همچنین بغرض دریافت‌کمیشن ده‌ها قرار داد اقتصا دی نابـرابـر باکشور های سر ما یه داری‌به‌امضاء رسیده و صد ها قلم اموال بی لزوم واضافی ازین کشور ها دربدل تادیهٔ اسعار خر یداری شده است .

ممکن است سوالی درذهن‌خواننده بوجود بیاید که فرو شند گان چطور حاضر میشوند در پرداخت کمیشن بلندتر رقابت نمایند؟ مسأله سا ده است، انحصا رات امپر یا لیستی ویا وارد کنندگان خارجی وداخلی اموال تولیدی آنها، در معا مله اصلا چیزی از دست نمید هند تا به منافع شا ن لطمه وارد گردد، بلکه بـد ینطریق سود بیشتری نیز بدست‌میآورند،چه علاوه بر آنکه فیصدی «کمیشن»تادیه شده را بالای تمام شد اموال افزود مینمایند ، بدینوسیله قمیت فروش آنرا نیز بالا می برند .

اخیراً مقا مات حا کمه و سرما یه‌ داران بزرگ ایرانی و پا کستانی نیز که در پشت سـر آنها غـول های انحصارات امپر یالیستی قراردارد ، سخت تلاش میور زند تـا با تادیهٔ کمیشن های بزرگ مقا دیر زیاداموال تولیدی را در کشور ما بـفر و ش برسا نند .

کمپنی های غا رتگر خار جی برای اشغال بازار ها و فروش مـقد ا ر بیشتر اموال اکنون هـنگام ارائـه قیمت، فیصدی کمیشن را نیز شامل آن میسازند ، دولت های سرمایه ـ داری نیز کمپنـی ها را دریـن راه تشویق مینمایند. چنانچه طبق اطلاع بعضی مجلات آلمانی اخیراً دو لت آلمان غربی یك قلم دیگر مصا رف را بنام «کمیشن» در حسا با ت کمپنی‌ها بصورت رسمی پـذیر فته است که ازطرف ادارات مالیاتی آنکشور مجرا داده میشود.

این امر تعجبی ندارد که‌دولتهای امپر یا لیستی برای بدست آو ردن بازار های فروش و غارت خلقها ی دیگر، بخصوص خلقهای کشور های «جهان سوم» ومنجمله کشور ماچگونه تلاش مینمایند ، چه ماهیت‌آنها چنین است. اماجای تاسف عمیق است که بیرو کراتهای فاسد رشـوه ستان کشور ما چطور زمینه های غار تگری غول های امپر یا لیستی را با د ست خود در جا معه تدارك مـی بینند و منافع خلق را فدای منافع آز مندا نهٔ خویش میسا زند .

س.ك

از (ص او ل)

نگاهی به‌وضع کنونی . . .

معهذا امپر تور ی استعما ری ایالات متحده‌امریکا، این‌نیرو مندترین دولت سرمایه داری ، اکنون دیگر از نقطه اوج خود گذ شته و قوس نزولی را طی میکنـد و روز بـر وز سلطه نفوذ سیاسی، اقتصادی‌ونظامی خودرا در بین‌کشور های‌سرمایه‌داری جهان از دست میدهد .همچنان دول امپریالیستی نظیر بریتانیای کبیر، فرا نسه، آلمان غرب و جا پا ن که یکی مقام دیگری را در عر صه‌تو لید صنعتی جهان سر ما یه داری اشغال میکنند، اقتدار سابق خود را ازدست داده‌اند .

در پهلوی تضاد اساسی ومبارزه بین سو سیالیزم و امپر یا لیزم ، تضاد های مو جود بین دول عـمده امپر یالیستی‌عمیق‌ترمیشود. بلوك‌های نظامی تجاوز کاریکه به سر کرد گی امریکا تشکیل شده است، هر روز به بحران تازه‌بـه تازه تـ‌ی د چا ر میگردد. رشد نا موزون‌سر مایه‌داری، کسب شدت میکند .تضاد انحصار ـ های‌آلمان‌غربی‌وجاپان‌که‌باانحصارهای امریکا متحد انه بسط وتوسعه‌می‌یابد باکشور های فرا نسه و انگلیس و ایتالیا تشدید میگـردد. تضاد ها ی بین امپر یا لیزم امریکا و کشور های ارو پای غر بی، انگلیس وامـریکا، امریکا و فرا نسه، فرا نسه و آلمان غربی، امریکا و آلمان غر بی، انگلیس وآلمان غربی، جا پان و امریکاوغیره شدت وحدت می پذیرد ودرآخرین تحلیل امپر یا لیزم امریکا قدم بقدم مواضع خود را در جهان سر مایه‌ـ داری از دست میدهد. بدینتر تیب امپر یا لیزم جهانی را تضاد ها ی عمیق وحا دی از داخل میخورد.

گر فتاری امریکا در جنگ ویتنام، عواقب وضع اقتصادی ، سیاسی و نظامی امریکا را وخیم سا ختـه ، نار ضائی عمومی را در جا معه امریکا شدت بخشیده است. امریکا بر ای نخستین بار در تاریخ در و یتنا م قهر مان با شکست عظیم اخلاقی، سیاسی و نظامی مواجه گردید وجبراً بارژیم دست نشانده سیگو نی خود به پای میز کنفرا نس صلح پا ریس کشانیده شد .

امپر یا لیزم در اثر تجاوزوتهاجم و حشیانه اسرائیل درشرق میا نه واشغال منا طقی از سر زمین های عرب نه تنها به هدفهای پلید خویش که همانا سقوط رژیم های ملی‌ومترقی کشور های عربی بود نر سید ،بلکه بالعکس به حیثیت و نفوذ سابق خود هر چه بیشتر در ین منطقه لطمه بزرگی زد و مو قعیت شرکتهای‌نفتی خود را درشرق میانه تضعیف نمو د ودر نتیجه خلقهای عرب بیشتربیدار ومتحد گردید نـد و چـهره ز شت امپر یالیزم را بمثابه دشمن عمد هٔ خویش آشکارتر مشاهده کردند.برای تمام خلقهای عرب ثابت گردید کـه امپر یا لیزم امریکا و آلمان غـرب و انگلستان محرك، پشتیبان و حا مـی اصلی سیاست تـجاوز کا را نـه و افراطیون اسرائیل هستند. دریافت پنجصد ملیون دالر امـداد نظا مـی بلاعوض، مقدار بزرگی اسلحه ثقیل، ٥٤ عراده تانك و سایـر تجهیزات نظامی به مبلغ ۳ر٥ ملیارد مارك‌آلمانی و٤٨ ملیون مارك بصورت کر ید ت غرض سا ختمان پایپ لا یـن نفت از طرف المان غرب وهمچنان تصمیم ارسال پنجاه عددطیارهٔ نوع «فانتوم» از طرف حکومت جا نسن وصد ها ملیون د لار از طـرف مـو سسات صهیونیت امریکا جهـت تقو یـه اسرائیل همه وهمه مؤید این نظر است که امپر یالیزم بیـن ا لمللی بخصوص امپر یالیزم امـریـکا این تکیه گاه عمده ار تجاع بین المللی، دشمن اسا سی صلح جها نی‌میباشد.

اکنون که امپر یا لیزم امریکا و انگلیس چون پلنگ تیـر خـور ده غضبناك است ، در هر کجانا شیانه حلقه های ز نجیر سیا ست تـها جمی و تجاوز را تکان مید هد. دو با ره سیاست فتنه جو یا نه را در بر لین براه انداخته و به امپر یا لیزم آلمان غر بی که هد فهای تلافی جو یا نه واستیلا گرا نه خود را با بی پروائی تمام تبلیغ میکند و برای جنگ علیه کشور های صلحدو ست وکشورهای ارو پائی تدارك مـی بینـد، وا ضحاً کمك میکند و در نتیجه مو جب تهدید صلح و امنیت اروپا میگردد.

تشدید تضاد درکا مپ‌امپریالیستی، جنگ امپر یا لیزم امریکا درویتنام، اعمال تحریك آمیز امپریالیزم آلمان غربی به پشتیبانی امپر یا لیزم‌امریکا وانگلیس در مرکز ارو پا (دربرلین)، سیاست تجاوز کا رانه اسرائیل به پشتیبانی امپر یالیـزم و غیـره د ر شرایطی صورت میگیرد که سیستم جهانی سو سیا لستی بصورت روز ـ افزون و بمثابه عامل قا طعی درتکامل جامعه بشری رشد و تجلی میکند ، جنبش کار گری در تحت ر هـبری احزاب پیشآهنگ خود در کشور های رشد یا فته سر ما یه داری ر شد و تکامل می یا بد وهرروز به‌پیروزی ـ های تاریخی نائل میآ یـد و جنبش رهائی بخش‌ملی‌در«جهان‌سوم»هرروز وارد مر حله نو ینی از پیرو زی ها و تحول در جامعـه معاصر بـشری میگردد.

این سه جر یان عظیم انقلابی‌جهان که در یك سیلاب متحد ودریك‌مسیر تاریخ به پیش میـرود ، از یـکسو موضع بموضع مـو جب تضعیف و سر انجام فنای امپر یا لیزم میگردد واز سوی دیگر روز بروز در جر یا ن تکامل اجتماعی به‌نفع‌صلح، استقلال‌ملی دمو کرا سی و سو سیالیزم‌می انجامد.

لذا او ضاع واحوال کنو نی‌جهان علی رغم هار شدن امپر یالیزم‌امکانات جدیدی را در پیشگاه بشریت مترقی بخاطر مبارزه علیه امپرا یا لیـ ز م وارتجاع جهانی قرار داده است، که استفاده و سیـع و درسـت از آ ن مأموریت مقدس و ضـروری تما م نیرو های صدیق ملی و دمو کرا تیك، تر قیخواه و طنپر ست‌دوران ماست.

«باقی درشماره آینده»

(بقیه‌ص‌اول)

حقوق ماموران . . .

یگا نگی و همبستگی مـاموران زحمتکش مربوط بهرقشر ودسته‌هائی که باشند، ایجاد اتحادیه‌های‌صنفی، سعی برای گسترش و توسعه آنها، تلاش پیگیر ودوامدار در راه احقاق مطالبات حقه عمومی، راه ندادن‌ترس و هـراس بخود در بـرابـر تهدید وزورگوئی، تسلیم نشدن بوعده های عوامفریبانه ، درپهلوی استفاده از اشکال ووسائل گوناگون مبارزه، از بهترین شرایط پیروزی در مبارزه میباشد .

باگذشت زمان ورشد نیرو هـای تحول طلب، ماموران ، مستخدمان، اجیران و سایر اصناف کـارمندان‌ـ زحمتکش که باهم سرنوشت مشابه دارند، روزتاروزبه‌نیروی عظیم‌خویش وضرورت مبارزات صنفی پی میبرند و بدین واقعیت متیقن میگردند کـه اتحاد وبیوستگی نزدیك واتفاق‌آنان سیل بزرگی است که میتواند موانع غیر قانونی‌دستگاه اداری‌بوروکراتیك افغانستان را ازسر راه مطالبات مشروع آنان بردارد .

داستان

-۲-

دوه جوالیان

سهراب په خندا وویل :

زما دپیسو لپاره؟.. ته ملامت نه‌یې تاټول عمر دالاکه دار صاحب‌مزدوری کړی ده... ملګرتیا دی نده کړی !

پردل څه ونه ویل، راولاړشو، خپل پړی‌یی واخیست او ووت. سهراب یوازی پاتی شو. سړیی په ځګنو ولګاوه اوپه چرت‌کی ډوب لاړ.خدازده څه په‌باره‌کی‌یی‌فکرکاوه‌چه‌دجوالیانو شورونګت یی دفکر سلسله وشلوله او اوچته‌له ځایه راولاړشو. دسماوات کار کونکو اومیلمنو ګردو د باندی خواته منډی کړی. سهراب چه څنګه راووت سترګی یی په پردل‌ولویدی. زړه قره‌قلی یی له سره لویدلی وه. دبرکی دبالاپوش جیبونه اوګریوان‌یی شلیدلی‌و. دخمتا په کمیس یی‌دپوزی وینی رابهیدلی. په سترګو کی یی داونبکو دوه غټی قطری غوټه شوی وی اوګردچاپیره جوالیانو رانیولی‌و. دسهراب په سترګو د اور لمبی بلی‌شوی اونه تمیدونکی غصه‌ورغله. دجوالیانو مینځ ته ورننووت اوچیغی یی کړی :

لاس ونیسیء ، لاس ونیسیء !

جوالیانو لاس ونیو اوسهراب‌ته‌یی کوځه ورکړه. هغه دپردل قره قلی له ځمکی را اوچته کړه اودیی‌لاس نیولی دجوالیانوله مینځه راویوست.

سهراب د منډیی ټولو جوالیانو پیژانده اوپه درنه سترګه یی ورته کتل. دوی پوه شول چه وهل‌شوی زلمی دسهراب خپلوان یاملګری دی اوهغه سخت یـې‌خپه شوی. مراد یوځیړرنګی دنګ جوالی چه رینګری ډیره او اوږده نری بریتونه‌یی‌درلودل اوددمنډیی دجوالیانومشرو، دجوالیانو له مینځه راووت،سهراب ته‌رانیږدی شو اووی ویل :

ـ سهرابه ته ګوره، دانابلدسړی دکرایو نرخ خرابوی. څوواره‌ماپخپله ورته وویل‌چه دا پیتی تر «لاهوری دروازی» پوری، اوه روپی کرایه‌لری، پام کړه چه کمه یـی نکړې؛ مګر ده ومنله چه په پنځه روپـۍ یـی یوسی. داجوالیان‌چه دی‌یی وهلی‌دی، ملامت ندی، ددغو خوارانو خوملاوی ټردی جوالونو لانـدی ماتی شوی. ووړی نلری، جامی‌نلری، ټاټوبی‌نلری اوشپه ورځ همدا پیتی‌چلوی. که‌چیری داپیتی نورهم بی‌درانه شی،داخواران به څه کوی !

سهراب دمراد په خبرو نرم‌شو. په وچولی‌کی‌یی دغضب‌غوټی‌وغوړیدی اوفقط دومره یی وویل :

ـ دنابلدانو بلدول په کـار دی، وهل یی ندی په‌کار. دی هم غریب دی اوبیتي چلوی !

بیایی دسهراب‌خولی‌ورپه‌سرکړه، دپوزی وینی یی د خپل لنګوټی‌په شلمه ور پاکی کړی اوله ځان‌سره‌یی مځ‌په بازار وخوځاوه .

ددکانونو اوپاړ تمانونو دبخاریو لوګی لکه تـوری پسر لنی وریځی، بازارته رابنکته شوی وو او هوایی لوګجنه کړی وه .

د لاری پـه اوږدو کـی سهراب پردل ته وویل :

ـ شپه نیږدی شویده ، ګامونه اوچت اخله چه ځای ته ورسیږو .

ـ چیری به ځو ؟

(۳مخ)

اکثر شهرنشینان وطن زندگی

فلاکتباری می گذرانند

شهرهای وطن محبوب ما افغانستان که نمایشگاه هایی از تضاد بیـن‌فقر و غنا ، بـین زحمتکشان و مفتخواران وبین‌طبقات استثمارکننده‌واستثمار شونده اند ، برای طبقات‌محروم حیثیت زندانهائی را پیدا کرده‌اند که فقر و جهل و مرض ازدر ودیوار آن می بارد .

شهرهای کشور چه کابل ،چه هرات وچه کندهار و مزار وسایر شهرهای صنعتی خورد و «بزرگ» کشور نمایانندهٔ روشـن‌دوطرز مشخص زندگی شده اند .درین شهرها کاخ های باشکـوه باسبك و شیوه های بسیار عالی معماری از پربهاترین مواد عمارتی، دربرابر کلبه‌های تاریك وفرسوده‌یی قرارگرفته‌اند که‌نه‌تنهانام‌خانه، بلکه نام کلبه وسر پناه رامشکل است، برآنها گذاشت .

پرده های رنگین کاخ هـا ، تراس‌ها و تراشهای بتونـی آن ، چوکات‌های فلزی منافذ ، شیشه‌های چندین متره کلکین ها ، تشنابهای سنگ نشان ولاجورد کاری ، گل‌ـ خانه‌ها ، چمن‌ها ، نفیس کاریها و دیکورهای غربی ، تابلو های‌نقاشی روی دیوارها و... خود گواهی‌دهندهٔ صادق این حقیقت است که :

هر بنائی ازین کاخ‌ها و قصرهای باشکوه و فریبنده بقیمت بیچارگی وفقر هزاران زحمتکش وطن فراهم شده است .

کلبه‌های تار ، بیغوله‌های مرگبار، خانه‌های لرزانك ومشرف به‌سقوط ، کوچه‌های کثیف ، نواحی مرض زده وبدبوی وبالاخره زندانهای «خانه‌ـ نما» ی شهر های افغانستان کـه اکثریت قاطع مردم شهری وطن را درخود دارد، قربانگاهیست که‌بخاطر تأمین رفاه و آرامی یك اقلیـت مفتخوار و استثمار گر بوجود آمده است . این همان قسمت های کهنهٔ شهر های وطن است که هر گو شه و کنارآن ، خانه‌ها و کوچه های آن، از انبارهای کثافات مملو بـوده ، انج انج آن منابع تولید مکروبها و آفات ساری کشنده می باشـد و هرروز زندگی عدهٔ کثیری از خلق بیدفاع و زحمتکش شهریان وطـن رابه چنگال نیستی می سپارد .

دهقانان و کارگران زراعتی کـه نسبت شرایط دشوار اقتصادی و اجتماعی از روستاها بسوی شهرها سرازیر میشوند ، اکثر درهمیـن نواحی شهرها سکونت می پذیرند و سیر امراض ساری نظیر توبرکلوز راتسریع می بخشند . در بسیاری ازهمین‌بخش‌های‌شهر‌تقریبادرهراتاق کوچك و تنگ بیشتر از ده نفـر زندگی میکنند و شرایط نهایـت دشواری را تحمل می نمایند .

وقتیکه زمستانها فرا می‌رسـد زندگی را درین نواحی مشکلتر و رنج‌آورتر می سازد . درینوقت‌است که کوچه ها ازبرف‌ها انباشتـه میشود و در هرگامی از کوچه های تنگ و شکستـه نشیب و فراز ها وگردنه‌ها ایجاد می نماید . درب‌اکثر خانه‌ها بسته میشود و ساکنیـن بخاطر رفت و آمد ا زمنافذ منازل دوم عمارات استفاده میکنند .

انتقال‌مواد اولیه وسایرضروریات، خاصتاً انتقال مریضان و مردگـان ازبین این کوچه‌ها هرروز صحنه‌های رنج‌آوری رادربرابرمردم قرارمیدهد.

مشکل آب آشامیدنی ، فقـدان محروقات و مراکز توزیع آن و هـم‌ـ چنان صدها مشکل دیگر درین ایام بر پروبلم‌های عادی روزمره‌باشندگان افزوده میشود . شغل های کوچك ناحیوی و امکانات بسیار ابتدائـی فعالیت فلج‌میشود ، هیولای‌وحشتناك فقر دربرابر اهالی چهره می‌کشاید وبرفرزندان نیمه برهنه و گرسنـهٔ ایشان حمله میکند و به انواع‌امراض وآفات مصاب می‌سازد .

هنگامیکه بهار فرا می‌رسد خانه‌ـ های کهنه مورد تهدید قرار می‌گیرد وبساکه بر باشندگان خود می‌افتدو باعث تباهی افراد فامیل‌ها میشود . کوچه‌های شهرهای کهنه از گل‌ولای انباشته میشود و دربسا از نقاط آنقدر آب تجمع میکند که زورقی‌باید برای گذشتن ازآنجا مورد استفـاده قرارگیرد .

وقتیکه فصل تابستان فرامیرسد، کثافات و آبریزها به نسبت فقدان مجاری لازم در کوچه‌ها ودر طـول راههای رفت‌و آمد ساکنین جریان پیدامیکند ، هواو محیط شهررامتعفن می‌سازد و زمینه رابرای شیـوع امراض گوناگون موسمی آماده‌میکند.

باوصفیکه مردمان نواحی کهنـهٔ شهرها بصورت مداوم بوسایـل و ذرائع مختلفه مشکلات خودرا بـه بناروالی‌ها می رسانند واز آنهـا کمك می‌طلبند ، ولی بناروالی هـا هرگز باین پرابلم ها رسیدگی مؤثر نکرده‌اند.

تمام مصارفی که برای شهرهای کهنه (مسکن اکثریت محروم‌شهری) ازطرف بناروالی ها صورت میگیرد، یك‌فیصدی بسیار کـوچـکی ازآن مصارف راتشکیل می‌دهد که برای نواحی جدید شهر (مسکن اقلیـت ممتاز شهری) پرداخته میشـود . تفاوت سطح فرهنگ بین‌نواحی‌جدید وکهنهٔ شهرها روز بروز بزرگتـر میشود واین خود نشاندهندهٔ‌آنست که فشار طبقات ستمگر برزحمتکشان شهری شدیدتر ووسیعتر شـده می‌رود . اینوضع کاملا نشاندهندهٔ نظام فرتوت اقتصادی و اجتماعـی معاصر کشور می‌باشد که در زیربار سنگین آن فریاد مردم‌ستمکش‌فضای سراسر کشور را احتوا کرده است.

نظام نیمه فیودالی و کمپرادوری وبیروکراتیك کشور هر گز قـادر نیست بضرورت خلق زحمتکش وطن جواب مثبت بدهد وبانو خواهی و نوآوری آنان موافقت نماید .

زحمتکشان شهری از وضـع غیر عادلانه و از استثناء خواهـی بناروالی‌ها ، از شرایط کشنـدهٔ نواحی کهنه شهرها ، و از گسترش ساختمانهای عظیم د ربرابر نگاهان کلبه نشینان فریاد می کشند و جداً می‌خواهند تا به‌این وضع خاتمه داده شود .

(قاسم)

شاگردان لیسه استقلال

از مشکلات ونابسامانی درسهامی نالند

لیسهٔ استقلا ل کـه یکـی ازلیسه های با سا بقه و طن است ا زسالیانی است که بمشکلات در سی مبتلا شده و باعث تکلیف وانزجارشا گردان گردیده است.

سیستم فرا نسوی تعلیمات درین‌لیسه، قـدرت اخـذ در س را درشاگردان تضعیف نموده و عدم‌تفا هم لازم بین اداره و شا گردان در ین‌لیسه عمر مشکلات درسی را طولانی‌نموده است.

شا گردانیکه بصنف د هم لیسه‌میرسند مجبورند پنج‌مضمون اساسی‌لیسه‌را بزبان‌فرانسوی تعقیب‌نمایند. در حالیکه تجویز همچو پرو گر ا م ایجاب می کند که شا گر دا ن در صنوف پا یا نتر ز با ن فرا نسوی‌را بصورت اسا سی فرا گر فته‌باشند. نتائج امتحان چندین سا له درلیسه استقلال بدر ستی نشان مید هد که شاگردان صنوف دهم بصو ر ت عموم آما دگی بـر ا ی تحـصیل در زبان فرا نسوی ندارند و سیستم لیسه قدرت ندارد شا گردان را د ر صنف دهم آمادهٔ آمو زش علوم‌درزبان فرانسوی بسازد. برای اثبات ایـن مطلب دلائل زیادی مو جود است واز آنجمله دلائل زیرین را میتوان بدست داد :

۱ـ تعداد زیادی از شا گر دا ن لیسهٔ استقلال در مـرور سا لـها ی گذشته به لیسه های انگلیسی زبا ن تبدیل شده‌اند .

۲ـ در هیچ یکی از صنو ف دهم لیسهٔ استقلال ٤ نفر شا گرد پید ا نمیشود که نمرات (۹ـ۱۰) را د ر الجبر و فزیك که بز بان فرانسوی تدریس میشود، حاصل کرده با شند، اما در لیسه های دیگروضع با لعکس است .

۳ـ اکثر شا گردانیکه در هند سه فزیك و ... ناکام میما نند و یا ٥ر٤ نمره میبرند دلیل اینست که آنا ن منظور درس را درك نکرده‌وکتابچه را از بر (بفکوغ) میکنند، فلهذا بجای سوال طرح شده، سوال دیگری راکه از بر کرده انـد، روی پـا ر چه می نو یسند. شاهد این اد عای من صد ها قطعه پار چه ایست کـه در لیسه استقلال هنوز مو جود می‌باشد.

فلهذا با ید حکم کرد که سیستم تد ریسی فرا نسوی در لیسهٔ‌استقلال ناکام مانده است و با ید بر آ ن‌عمیقاً تجدید نظر کرد. واگر این تجد ید نظر صورت نگیرد، نبا ید انتظا ر بهبود دروس را در ین لیسه برد.

شا گردان لیسهٔ استقلا ل بر ین شیوهٔ درسی اعتراض می کنند و از مقامات مسؤول تقاضا دارندتابا ایـن مو ضوع بصورت جدی بـر خـو رد نمایند.

نباید استعداد های در خشا ن فر زندان و طن فدای سیستم ها ی استعماری کهنه و نـا کـا م درسی گردد. بااحترام

فریدون افرا سیا بی متعلم لیسهٔ استقلال

دردها، شکایتها واعتراضات خلق

دکوچیانو دمسالی حل دملی او مترقی

قوتونو مؤثره پاملرنه غواړي

ښاغلی (ش،ګ) له غزنی څخه دپرچم په عنوان لیکلی دي:

« د پـر چـم جر یـد ی تـه لـه د ی کـبـلـه چـه هیڅکـلـه یې دکوچیانو ،غریب او بی دفاع خلك ندی هیر کړی کور ودانی وایم .

ددی پیغام په استولوکی زما مطلب دادی چه یوځل بیادبدمرغو اودربدرو کوچیانو دژوند د خورونکو شرایطو په باره‌کی، ستاسی دجریدی‌په‌وسیله څوټکی ولیکم اوله تاسو نه غوښتنه وکړم چه دزیار ایستونکو پونده وو لپاره، دخدمت په خاطر دالنۍ مطالب هم خپاره کړیء .

تیرکال د افغانستان ولسی جرګی پرحکومت باندی داعتماد درایی په ترڅ‌کی، په پراخه پیمانه د کوچیانو دژوند ترخه شرائط په ګوته کـړل اودهغوی داسکان، تعلیم، صحت او تجارت په باره کی‌یی سپارښتونـه وکړل. ټولو جرائدو بیا په تیره‌پرچم په ډیر جدیت دکوچیانو دژوند ناوړه شرائط تشریح کړل اودوی‌دمشکلاتو دحل لاری چارېـې وښودی. مګر لانراوسه (د۱۳٤٧ کال دحوت اول) دحکومت له خوا دکوچیانو په باب هیڅ نوی اقدام حتی دمطالعی‌اوخیړنی تصمیم ونه لیدل شو .

سږکال به بیاکوچیان دتیرو کلونو په شان، په تورو کیږدیو کی‌راوخیژی اودفقر اومرض په تبوکی‌به وسوځی، لوږی ، تندی به وګالی، څومیاشتنی به پوله په پوله په ورشو پسی‌منډی ووهی اوهماغسی (لکه پخوا) به بیرته دخپل غمجن ژوند یوبل کال تکرار کاندی .

زما شخصی نظر دا دی چه د افغانستان حکومتونه (لکه چه تراوسه پوری از مویل شوی‌دی) هیڅکله دکوچیانو له مسائلو سره علاقه نه ښیی اوکه کله‌په رسمی او تشریفاتي مواقعو کـی د هغوی په باره کی ځینی همدردی. هم‌اظهار‌ ـ وی، صرف‌دیوسیاسی‌فیشن ما نوره‌ده اوبس. ترڅوچه داحکومتونه‌له سختو مجبوریتونو او فشارونو سره مخامخ نشي یوبل به دکـوچیانو اودهیڅا د نیکمرغی په لاره کـی وانخلی، نوکه چیری ومنل شی، زما رأیه‌داده چه‌پدی باره ‌کی دی دټولو وطنپالو‌نکو قوتونو له خوا په حکومت باندی ګډ اوشدید فشار واچول شی، ترڅـو هغه دی ته مجبور کاندی چه پـدی لاره کی عملی اقدامات وکړی.اودا‌کار لاندینی ګټی لری :

۱ـ ټول ملی دموکراتیك قوتونـه به؛ ددی ګـډی مبارزی په ترځ کـی داتحاد عملی امکانات تجربه کاندی.

۲ـ د موکراتیك قوتونه به ددی خاصی موضوع په باب نیږد یوالـی په نورو مشترکومسائلو‌کی‌ هم‌داتحاد خواته نیږدی کـړی .

۳ـ ددی قـوتو نو ګـډه مبارزه به دزیات تفاهم او زیاتی همکـاری‌ـ زمینه برابره کاندی .

٤ـ ددی مبارزو قوتونو ترمینـځ به، دتوری ارتجاع دلاس وهلو او تفرقی پیدا کولو امکانات کمزوری شی .

دګه پروګرام عملی لاره :

دکوچیانو دحقوقو دفاع چه زموږ په شرائطو کی داجتماعی اواقتصادی مبارزی یوه مهمه برخه ده، کولی‌شی دهغو نشراتي ارګانونو لپاره چه دموکراتیك او ملی خصوصیت لـری دیوعملی اوګه پروګرام لاربښوونـه وکړی. دمثال په توګه دا ارګانونه کولی شي لاندنی اویا هغه ته ورته پروګرام طرح اوعملی کاندی :

۱ـ ددغو ارګانونوله خوادموضوع دڅیړنی لپاره دوخت ټاکل .

۲ـ پرموضوع باندی، د موافقی ترحاصلیدلو پوری بحث کول اودبحث دګټورو محتویاتو خپرول .

۳ـ دکوچیانو دحقوقو ددفاع‌په‌نامه دیوی هفتی یاپوی میاشتنی ټاکل او په دی موده‌کی‌دټولو ارګانونو له‌خوا، ددی مطالبی دپرمختګ لپاره ګـډه مبارزه. »

پرچم :

دښاغلی (ش،ک) نظر دکوچیانو دمسالی دحل په باره‌کی وارد بولی اودامطلب تاییدوی چه د کو چیانو مسأله دی دهغو نورو ملی ضروری مسائلو په جمله‌کی داخله شي چه دملی اودموکراتیکو، ترقی غوښتونکو او وطنپالو قوتونو دپراخې جبهې دګه پروګرام محتوی تشکیلوی .

دکترانیکه باصحت وزندگی مردم

تجارت میکنند

ښاغلی ع ، ح رویا از پنجشیر نوشته اند :

«طبابت یك پیشهٔ بسیار انسانی وعالی است . زیرا این پیشه وظیفهٔ کمك ورسیدگی بانسانهای محتاج ورنجور راکه‌مستحق‌هرگونه‌همدردی ومعاونت میباشند ، بعهده دارد .

ولی بدبختانه در کشور ما یکعده طبیبان (بالحفظ احترام به اطبـای شریف) باوصف اینکه پول گزافی ازجیب مردم زحمتکش ما در تعلیم وپرورش ایشان صرف شده است، وظایف خودرا در راه مردم فراموش میکنند وحتی احیاناً به وسیلهٔ فشار برمردم ، تبدیل میشوند . درینجا ماجرایی راکه خود شاهد آن بـودم وباعث تألمات عمیق در من شـده است ، بطور مثال تقدیم میکنم :

چندی قبل (درین تازگیها) پـدر موسفیدم دریکی از روستاهای‌پنجشیر در اثر مریضی شدید دچار کوماشد. بخاطر نجات وی بداکتر محل مراجعه گردیم و ازوی کمك خواستیـم . دکتور مذکور بعد از معاینه لازم‌گفت که‌فشار مریض به ٤۰ درجه پائین شده وباید ادویهٔ مـورد ضرورت هرچه زودتر تهیه و تطبیق گردد ، فلهذا نسخه‌ئی نوشت و بما سپرد. برادرم هنگام مراجعت بادکتـور همراهی کرد تا درنزدیکترین بازاری که‌در آ نجا وا قع است نوت صد افغانیگی را خورد نموده و مبلغ‌پنجاه افغانی را بصورت فیس بداکترتقدیم کند . ولی همینکه داکتر موضوع را درك کرد ، ازکم بودن مبلغ فیس بر آشفت و ببرادرم گفت که نسخه را بده ، تاپك دوای دیگر راکه فراموش کرده‌ام درآن علاوه کنم . همینکه نسخه رااز برادرم گرفت ، آنراپاره‌ـ پاره نموده ، آنطرف برتاب کرد وراه خودرا درپیش گرفت .

مریض درحال کوما ، اعضاء فامیل در وضع و شرایط بد روحی وجناب داکتر در آشفتگی و غضب، زیرا بافیس اندك گویا بعزت وآبروی اوتوهین شده بود .

طوریکه پرچم نگاران میدانند ، مردم پنجشیر نظر بوضع اقتصادی که برآنان مستولی است ، اصلا قادر نیستند مبلغ‌صد افغانی‌رابحیث فیس بیك داکتر بپردازند . اما نمیدانم یك داکتریکه موظف است

(ص ٤)

از (ص دوم)

دوه جوالیان

ـ زما ځای ته !

ـ ستا ځای چیری دی ؟

ـ ټول‌جماتونه، دحماموګلخنونه اوپه ووړی کـی درست ګراژونـه، ددکانونو مخی ،دپلیو لاری،هرمیدان اوهره پوله !

سهراب، پوښتنه وکړه :

ـ ښه ، ستا ځای چیری دی؟

پردل په داسی حال‌کی چه‌ژبه یی ښبتله وی ویل :

ـ زما ځـای دالاکه دار صاحب کور !

له دی خبری سره سهراب برچ وهل اوویریی وخندل بیایی پردل ته وویل :

ـ دا الاکه دار خوار څوك دی چه هرشی یی ته ځان بولی ؟

ـ داخو زما ددولسو کلوبادادری کنه! مګر زه یی اوس شړلی‌یم.نوردی می‌کورته نه ورپریږدی. هغه ...

سهراب په همدی‌ځای دپردل‌خبری پری کړی اوپوښتنه یی تری وکړه:

ـ پس له دی به څه کار کوی؟

ـ همدا جوالی توب .

سهراب نوك ونیو او یوځل بیا دپردل سر او اوږبوزته خیر شو. وی خندل اووی ویل :

ـ خولی دی جوالیانوته ندوړته، ولی کلینری نه کوی؟

ـ څنګه، ته کوم موټروان پیژنی چه ماکلینر کاندی ؟

هغه وویل :

ـ نه خومره ساده او کم عقل سړی‌یی، که زه دومره معتبر وای‌ولی به می‌پخپله داپیتی چلول !!

پردل اوسهراب* په خبرو خبروکی له ښاره راووتل دواړو په یوه نری منلوکی یو پربل پسی دکلیو د جوماتونو خواته لاړل. هرڅه په تیاره‌کی ورك شول یوازی د پردل دټوخیو اوګرویو آواز دغمجن‌ماښام چو پیا ماتوله .

* * *

دسهراب اوپردل په ملګرتیا یوه میاشت تیره شوی وه چه سهراب یوسباوون یوازی دبازار په لورراغی. ډیرمیی ببره شوی اودسرویښتان‌یی ډیر زیات دسیدلی وو. په سترګو کی‌یی د فطری خوښتالتیا رڼا چه شوی وه اوځای یی یوه داسی‌توفان‌ته پری ښبنی وچه دګنګ اوبی تعبیره انتقام بـر ښبناوی یی خوریدلی. قدمونه‌یی درانده شوی وو او په خیره‌کی‌یی دلوی‌غم څپوکوکی وهلی. آخرته په یوه‌تنګه کوځه‌کی، دحکیم‌جی ددکان مخی‌ته راورسید اوبی له دی چه سلام واچوی، دخپل لاس بوټل اوبوړی یی دحکیم‌جی مخی‌ته کیښبنودل اوپه ناست غږیی مخاطب که :

ـ داکتـر صا حب ، دا بیرتـه درواخله !

حکیم‌جی خپلی عینکی پورته کړی اوسهراب‌ته خیر شو ، بیایی لاس دواته ور وغځاوه او پوښتنه یـی وکړه :

ـ څنګه، دوا فایده ونکړه ؟

ـ نه ، هغه مړ شو !

دایی وویل اوبی له دی‌چه د دوا پیسی وغواړی په نړی اوتاو راتاو کوڅه‌کی مخ په ښکته روان شو .

هلته یوبل تـورنجون زلمی چه غوړه شلیدلی کرتی او پتلون یـی اغوستی وو، دپښو پـه خوکو شو، خپل غبرګ لاسونه یی پورته کړل اودحکیم جی په میزیی ووهل اوفریاد یی وبوست :

ـ آه داخلك عجیب آسانه مری !

لـه دی خبری سره جوخت، پـه آسمان کی دپسرلی لومړی برینښنا وځغلیده اودتالندی هیبت دزاړه او ساړه ښار هڅونه وریږدول .

«سلیمان لائق»